

روال غیر عادی اوضاع در افغانستان

قبل از آنکه به اصل مطلب بپردازم، این سروده شاعر را به تکرار میگیرم که فرمود :

عالمی بر و هم پیچیدست مانند حباب

جز هوا نبود سری درزیر این دستارها. (بیدل)

درکنار هزارها درد و داغی که بر جان و روان مردم افغانستان لانه کرده اند، یکی هم حاکمیت و تبختر خالی مغزانه دستار پوشان شریعت مدار و طالب پروران رجعت گرای قرون وسطایی درکشور است که هر روز و هر شب خواب ملانصرالدینی می بینند ، آزاده یی را تهدید و تکفیر میکنند ، زنی را به برده گی بیشتر میکشانند و فتوا های مندر و آوردی و ضد علم و ترقی را صادر میکنند، بدون آنکه کسی، منبعی و قدرتی جلو چنین خودسریها و خود بزرگ بینی ها و برده سازیها را سد سازد.

بخصوص، در این شب و روزیکه ابرقدرتهای غربی، پس از دوازده سال غریدن ها و لافیدن ها و فریبکاریهای رنگارنگ در سر زمین اجدادی ما، ظاهراً از جنگ خسته شده و درپناه کرنش های شرم آور، به پیشواز همان گروه های تروریست و خون ریزی میروند که تا دیروز آنها را قابل تعقیب و تحدید و نابودی می دانستند، این دستارپوشان مذهبی منفعت طلب درپناه چنین هوا و فضا، با حرافی ها، تشکیل اجتماعات و صدور فتواها غرض جلو گیری از گسترش آزادی افکار، تکامل هنر و استعداد های علمی و فرهنگی، آماده گی های زبوانه و نوکرمنشانه یی را در برابر ورود قافله سیه دستاران شب پرست و آدمکشان جنون زده می گیرند.

مثلاً، همین طفیلی های جامعه افغانستان درهرات، با تلاشها ممتد در زیرچتر حمایتی افکار آخوندی جمهوری اسلامی ایران و کرسی نشینان جهادی درکابل، ازپخش ترانه و موسیقی جلوگیری مینمایند، زنان و دوشیزه گان را از کارکردن با رسانه های تصویری باز میدارند ، برگزاری محافل شادی و عروسی خانواده ها را حرام میخوانند و از جزا های وحشتناک غیر انسانی علیه زنان و جوانان، با اشتیاق غیرقابل وصفی جانبداری مینمایند.

در ولایت بغلان، با صدور فتوا و پخش اعلامیه ها و اختطاریه ها ، از خارج شدن زنان از خانه و حتا خرید مواد مورد نیاز توسط این مظلومان قرن از دکانداران، جلوگیری میکنند ، به فروشنده ها اختطاریه ها و جزا میدهند و بجای طأ لبان ، حکم اعدام و سنگسار صادر مینمایند.

در کابل، قوانین سختگیرانه قرون وسطایی و در واقع، زمینه احیای امارت اسلامی طالبان را مهیا میسازند و قطع دست و بریدن سر و عمل وحشت انگیز سنگسار و امثال آنرا تأیید میکنند .

با درد و دریغ که رییس جمهور به اصطلاح دموکرات افغانستان هم نه تنها این سیه دلان و تاریک اندیشان را در آغوش محبت می کشد، بلکه از نظر و عمل رجعت گرایانه آنها پشتیبانی نیز بعمل می آورد. آنطور که در این اواخر شنیده و یا دیده میشود، رییس جمهور افغانستان با غلتیدن در جهت گروه تروریستی طالبان، هم می خواهد نیرو های ناتو و امریکا را از نابود سازی طالبان بر حذر دارد و هم در تلاش است تا زندانیان این گروه را از زندان گوانتانامو نیز بیرون آورد.

به همین دلیل است که وقتی این گروه تروریستی و دنباله روان عمامه پوش آنها در غزنی و فاریاب و بغلان و غوربند و جاهای دیگر، بصورت بیرحمانه و بیباکانه بی دست به ترور و اعدام و سنگسار زنان و مردان و حتا کودکان معصوم افغانستان می یازند، نه ملا و مفتی و نه کدام روحانی و عالم دین علیه آنها فتوا صادر میکند و نه هم نیرو های امنیتی به سرکوب آنها می پردازند.

جالب اینست که جامعه جهانی، ارگانهای بین المللی ، مؤسسات حقوق بشری و حکومت های ظاهراً دموکراتیک، همه این نا روایی ها و عدالت کشی های آشکار را نظاره میکنند، ولی بخاطر محکوم کردن و سد ساختن چنین جریانات ضد بشری لب تر نمیکنند.

به لحاظ اعمال سیاست های منفعلانه و منفعت جویانه جهان غرب و بالاثرحمایت های آنان از افراد و عناصر عقبگرای جنایتکار و سازش و تبانی آنها با گروه های تبهکار ضد ملی و ضد ترقی در افغانستان است که از یکطرف فریاد تلخ چندین ساله قربانیان جنایت و خیانت برای محاکمه و مجازات قانونی بجایی نمیرسد و از سوی دیگر، قتل و جنایت ، حق کشی و بیعدالتی و اختلاس توأم با رجعت گرایی و مذهب پناهی افراطی بیشتر از پیش دامن می گسترند و جامعه را هرچه تنگتر در حلقه برده گی و بیهوده گی محدود و مقید میسازد.

حال، شما خواننده های عزیز چه تصویر و تصویری از حالات کنونی میهن بخون نشسته مان خواهید داشت ؟ آیا باشندده های این سرزمین نفرین شده، در میان دو سنگ (دولتمداران

مفسد ازیکسو و دین فروشان بی آرم روزگار) از سوی دیگر، خورد و خمیر نمیشوند؟

آیا کرزی با چنین دولتمداری ننگین و چنین شیوه کار و اجراءات ضد مردمی اش ازسوی نسل امروز و فردای کشور بخشوده خواهد شد؟ آیا قدرت های شامل جامعه جهانی با این فرو گذاریها و جفاکاریهای آشکار درحق امروز و فردای باشندده گان این سرزمین ، جز ننگ و ملامتی همیشه گی درجهان، چیزدیگری کمایی خواهند کرد؟ (پایان)